

درس پنجم زندگی بر اساس اندیشه

سقراط چهره برجسته تاریخ فلسفه است

از سقراط هیچ کتابی به یادگار نمانده و اگر کسی بخواهد به عمق افکار فلسفی وی پی ببرد باید زندگی نامه او را مطالعه کند زیرا زندگی وی، حکایت واقعی فلسفه است.

نکته: بیشترین تأکید سقراط تکیه بر «عقل خدادادی» بود.

افلاطون شاگرد برجسته سقراط زندگی او را حکایت کرده و مبارزه سقراط را با مغالطه گران و سوفیست ها به تصویر کشیده است.

سوال؟ جامعه زمان سقراط متأثر از اندیشه های چه گروهی بود و آنان چه اعتقادی داشتند و تأثیر آن ها بر مردم یونان چه بود؟

پاسخ: متأثر از اندیشه های سوفسطائیان بود. آنان اعتقاد داشتند که الف - «جهان را نمی توان شناخت» و

ب - آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابقی با واقعیت ندارد .

سوال؟ سوفسطائیان چگونه به نشر اندیشه ای خود می پرداختند و نتیجه اقدامات آن ها چه بود؟

پاسخ: آنان به کمک مغالطه ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند و بر زندگی مردم تأثیر می گذاشتند.

تحت تأثیر چنین اندیشه هایی:

الف - اخلاق و فضیلت میلن مردم کم رنگ شد

ب - بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند

ج - جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله می گرفت

د - حق طلبی در سایه جدل و سخنوری ماهرانه کم رنگ می شد

سوال؟ نقش سقراط در مقابل سوفسطائیان در جامعه آتن چه بود؟

پاسخ: الف - پرچم علم و فضیلت را بر افراخت

ب - برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرد

ج - شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت

سوال؟ سقراط به چه روشی در آگاهی بخشی به مردم تلاش می کرد؟

پاسخ: روش سقراطی (روش جدلی)

توضیح بیشتر:

سقراط روش بحث ثابتی داشت؛ مفهومی از مفاهیمی که در زندگی برای ما اهمیت حیاتی دارد، بر می گزید و در باره اش پرسش می کرد

روش سقراطی: «وقتی شخصی پاسخ سوالی را می داد با توجه به پاسخ او، سوال دیگری طرح می کرد، به طوری که مخاطب و پاسخ دهنده را به حقیقت می رساند و آنچه را که حق بود از زبان پاسخ دهنده به دست می آورد.

• سقراط با سوال کردن جهالت افراد قدرتمند و سفسطه گر را به رخشان می کشید. «دلیل بیزاری برخی از او

سوال؟ سقراط مقصود خود از گشت و گذار در شهر را چه می دانست؟

پاسخ: سقراط می گفت: «از گشت و گذار در شهر جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و بزرگسالان را متقاعد سازم که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید زیرا ثروت فضیلت نمی آورد بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است به دست می آید».

توضیح: در جامعه آتن فضیلت تحت الشعاع «جدل» قرار گرفته بود.

بزرگ ترین مبارزه سقراط، علیه سوفسطائیان بود.

سوال؟ به اعتقاد سقراط چه عاملی موجب تلاش سقراط برای بیداری و پند دادن مردم شده بود؟

پاسخ: سقراط می گفت این رسالتی است که خداوند با ندهای غیبی در رویاها بر عهده من نهاده است.

سقراط خود را مأموری از جانب خدا می دانست که رسالتش بیداری و آگاهی مردم بود.

محاکمه سقراط

سوال؟ چه کسی به نمایندگی از متهم کنندگان در دادگاه سقراط را محکوم کرد و چه اتهاماتی را به او نسبت داد؟

پاسخ: ملتوس به نمایندگی از متهم کنندگان در دادگاه جرم سقراط را دو مورد عنوان کرد:

توجه: دانش آموزان عزیز در سوالات تست دقت کنید درباره اتهاماتی که به سقراط نسبت داده می شود، از زبان ملتوس سوال شده است یا از زبان سقراط.

۱- ملتوس «خدیانی که همه به آن اعتقاد دارند «انکار» می کند» از خدای جدیدی سخن می گوید

سقراط در دادگاه در باره مورد اول می گوید: افترايي که از دیر باز به من نسبت دادند این است که «سقراط رفتاری خلاف دین در پیش گرفته و در پی آن است که به اسرار آسمان و زمین دست یابد»

۲- ملتوس ← با افکار خود جوانان را گمراه می سازد ← آن ها را از آیین پدرانشان بر می گرداند

سقراط در باره مورد این اتهامی که به نسبت داده شده می گوید: «این کار را به دیگران (جوانان) هم می آموزد.

سوال؟ سقراط دانای واقعی را چه کسی می داند و آیا این نسبت (دانا) از طرف دیگران برای خود را می پذیرد؟

پاسخ: سقراط می گوید: «دانای حقیقی خداست» و من دانا نیستم؛ فقط شاید (جمله به صورت احتمالی بیان شده است) به این دلیل که وقتی نادانی کسی را آشکار می کنم، حاضران گمان می کنند که آنچه آن ها نمی دانند من می دانم.

سوال مهم؟

به نظر سقراط راز این سخن سرورش دلفی که «دانا ترین مردم سقراط است»، چیست؟

پاسخ: همین بود که به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم

و اگر از من به عنوان دانا یاد کرده است برای آن است که بگوید: «دانا ترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند».

توضیح بیشتر:

جهل بر دو نوع است ۱- ساده یا بسیط ۲- مرکب

جهل ساده: آن است که انسان نمی داند، اما به نادانی خود آگاه است و بنابر این برای رفع آن تلاش می کند) سقراط خود را از این گروه می داند)

آن کس که نداند و بداند که نداند، لگان خرک خویش به مقصد برساند

جهل مرکب: آن است که انسان نمی داند (یک جهل) و نمی داند که نمی داند (جهل دوم). (سقراط سوفسطائیان را مصداق این گروه می داند)

آن کس که نداند و نداند که نداند، در جهل مرکب ابد الدهر بماند

دفاعیه سقراط

ویژگی دفاعیه سقراط:

دفاعیه سقراط، بیانیه ای فلسفی بود که همه اصول زندگی وی را در بر می گرفت

سوال مهم؟ سقراط در برابر این اتهام که «خدایان را انکار می کند و خدا پرست نیست»، چگونه از خود دفاع کرد؟

برای پاسخ به مطلبی که در باره روش سقراط بیان شد، دقت کنید. (روش سقراطی یا پرسش و پاسخ)

پاسخ:

سوال از تو می پرسم :

آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟

آیا کسی پیدا می شود که «علم» و «عدالت فوق بشری» ← (معلول) را قبول داشته باشد ولی وجود

خداوند ← (علت) را منکر شود؟

ملتوس گفت: «نه چنین کسی پیدا نمی شود»

سقراط گفت: «سپاسگزارم».

یعنی من به موجودی که دارای علم و عدالت و قدرت فوق بشری است، که تو هم پذیرفتی، باور دارم (حال

مصادق این موجود از نظر متهم کنندگان و سقراط یکی نیست)

توضیح: سخنان سقراط مبنی بر اینکه او فردی معتقد به خداست، مبتنی بر استدلال «اثبات وجود خدا از طریق

صفات و آثار» است؛ و یاد آوری این نکته که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را باور دارد و از آن سخن گفته

است .

● به نظر سقراط کسی که «راه درست را یافت»، نباید از مرگ هراسی داشته باشد.

سوال؟ سقراط چه اموری را شایسته ترس و هراس می داند؟

پاسخ: سربلندی از فرمان خداوند

سوال مهم؟ به نظر سقراط گریز از چه چیزی دشوار است چرا؟

پاسخ: به نظر سقراط گریز از مرگ دشوار نیست بلکه گریز از «بدی» دشوار است زیرا بدی تند تر از مرگ می دود.

دیدگاه سقراط در باره مرگ:

جملات زیادی در باره مرگ به سقراط نسبت داده شده که بیان گر اعتقاد او در برابر این پدیده است. برخی از

نظرات او:

۱- انتقال به جهانی دیگر که اگر این سخن راست باشد همه در گذشتگان در آن جا گرد آمده اند

۲- مرگ نعمتی است که انسان در جهان دیگر با «داوران دادگر» روبه رو می شود

۳- در جهان دیگر با نیکان و بلند مرتبگان همنشین می شود

● سقراط در نهایت به مرگ محکوم شد و روش مرگ او «نوشیدن جام شوکران» بود.

سوال؟ «سیسرون» فیلسوف و خطیب بزرگ روسی در باره سقراط چه می گوید:

پاسخ: او «فلسفه» را از آسمان به زمین آورد و آن را به خانه ها و شهر برد. او فلسفه را وادار کرد تا به زندگی ، اخلاقیات و خیر و شر بپردازد. (تفکر فلسفی در رابطه با تمام امور انسانی) .